

## منطقه مورد پسند خراسانی‌ها و کرمانی‌ها!

**موضوع:**  
اقوام و لهجه‌ها

**موقعیت:**  
پهنه فرحزاد

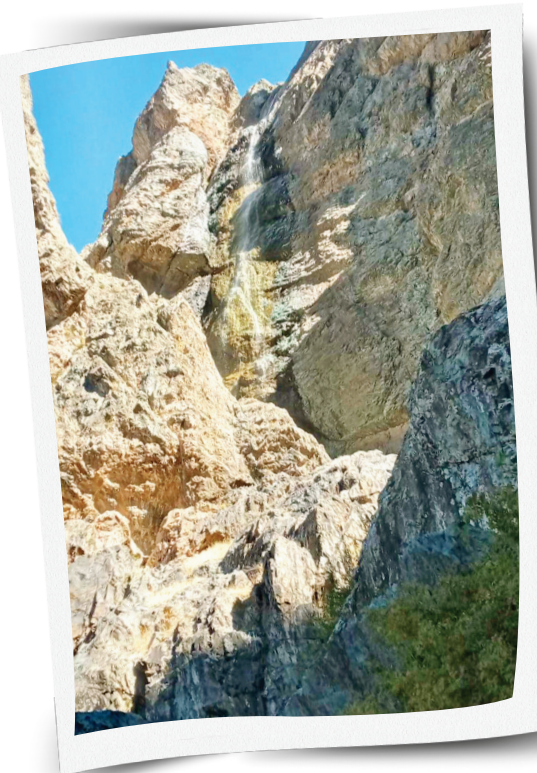
روستای فرحزاد در تهران قدیم، در همسایگی شمیران و طبرستان (استان مازندران امروزی) قرار داشت؛ روستایی با امکانات رفاهی برای زندگی و کسب‌وکار که بسیاری ترجیح می‌دادند از روستاهای دور و نزدیک که امکانات رفاهی کمتری داشت به این روستا مهاجرت کنند. به همین دلیل جز فرحزادی‌های مقیم روستا به مرور زمان اقوام دیگری نیز از دور و نزدیک به ساکنان این روستا اضافه شدند.



علی فرحزادی، از اهالی قدیمی محله فرحزاد، با بیان این جمله‌ها، درباره مهاجرت اقوام به روستای فرحزاد می‌گوید: «در روستای فرحزاد قومیت‌های متفاوتی از شهرهای کشور ساکن بودند. برای مثال، خراسانی‌ها و کرمانی‌ها بیشترین کسانی بودند که به فرحزاد مهاجرت کردند. اما همه این اقوام به مرور زمان با وصلت و ادامه زندگی در این محدوده به بخشی از اهالی فرحزاد تبدیل شدند به نحوی که امروز در محدوده محله فرحزاد غالب‌ترین نام خانوادگی فرحزادی است. البته این را هم اضافه کنم که فامیلی‌های لالی و مطلبی هم از دیگر فامیلی‌های رایج در روستای فرحزاد قدیم بود.»



یکی از دیگر از موارد جالب در روستای فرحزاد قدیم مربوط به لهجه و نوع گویش اهالی است. بنا بر تعریف این ساکن قدیمی، گویش غالب اهالی در روستا لهجه شمیرانی است. در حال حاضر البته این گویش میان اهالی محل هم رو به فراموشی و بسیار کم‌رنگ است و فقط تعدادی از زن‌ها و مردهای قدیمی و سالخورده به یادگار مانده از زمانی که محله فرحزاد روستا بود می‌توانند به زبان فرحزادی قدیم صحبت کنند.



**موضوع:**  
دره مرگ روح و دیگر دره‌های فرحزاد

**موقعیت:**  
جاده قدیم فرحزاد به سمت امامزاده داوود

## اینجا قبض روح می‌شوید!

جایی بالاتر از محله فرحزاد، آنجا که کوه‌ها و دره‌ها یک‌به‌یک نمایان می‌شوند، دره‌ای وجود دارد که اهالی فرحزاد آن را مرگ روح می‌نامند؛ جایی که شما را قبض روح می‌کند. جاده قدیم فرحزاد از میان کوه‌ها و دره‌ها پیچ می‌خورد و بعد از پستی و بلندی‌های بی‌شمار به امامزاده داوود (ع) می‌رسد. این مسیر از مسیرهای مورد علاقه کوهنوردان و طبیعت‌دوستانی است که به طبیعت‌گردی در مناطق بکر تهران علاقه دارند.

مصطفی لالی، از اهالی پایه‌سن گذاشته فرحزاد که خود سال‌هاست کوهنورد قهاری است برایمان از دره‌ای می‌گوید که به دلیل خوف و ترسی که دارد به مرگ روح معروف است: «حدود ۲ کیلومتر بعد از محدوده یونجه‌زار که در ارتفاعات فرحزاد قرار دارد دره‌ای دیده می‌شود که به واسطه شکل پیچ‌در پیچ و ناهموارش حس و حال عجیبی به آدم می‌دهد. این دره از محدوده آبشار سیاه‌بند شروع شده و خود چند دره کوچک در دل خود جای داده است. تا خودتان نبینید نمی‌توانید وضعیت جغرافیایی آنجا را درک کنید. با اینکه حدود ۵۰ سال کوهنوردی می‌کنم و بالای ۲۰ بار این مسیر را طی کرده‌ام هر بار به دره مرگ روح می‌رسم مسیر را گم می‌کنم. هر سال کوهنوردان زیادی در این مسیر گم می‌شوند و با راهنمایی و کمک اهالی نجات پیدا می‌کنند. چند سال قبل آزن و شوهر کوهنورد در دره مرگ روح گیر افتاده و متأسفانه یکی از آنها فوت شد. اینجا حتی موبایل ماهواره‌ای هم جواب نمی‌دهد چه برسد به اینترنت و خط موبایل. جدا از وصف خوفناک دره مرگ روح، ارتفاعات محله فرحزاد گلچینی از دره‌های گوناگون با اسامی خاص و جالب است. لالی در ادامه می‌گوید: «دره‌هایی که از ابتدای جاده قدیم فرحزاد به مسیر جاده امامزاده داوود (ع) منتهی می‌شوند، دره‌هایی با طبیعت وحشی و جذاب هستند؛ دره‌هایی همچون ماگین، ولز دره، آسمان ورک، یونجه‌زار، توت درختک، تنگه پشته، سیاه‌بند، دره خورشید، دره بسته، نارونستان، دره جوجه (زرشکی)، باغ فیروز، دره سرو، نر مه تیج، دره کربلایی

حاجی و دره پاکتل خاکی.» لالی درباره وجه تسمیه برخی از دره‌ها می‌گوید: «دره بسته حالتی دارد که گویی انتهایش بسته است. در دره سرو، سروهای کوهی دیده می‌شود. دره جوجه یا زرشکی، پر از درختچه‌های زرشک کوهی است. در دره توت چند درخت توت از قدیم‌الایام وجود دارد. دره تنگه پشته در پشت دره دیگری قرار گرفته است. دره سیاه‌بند به دلیل وجود صخره‌های سیاه‌رنگ به این نام معروف شده است. دره پاکتل خاکی در شیب تندی قرار داشت که به زیارتگاه امامزاده داوود (ع) منتهی می‌شود.»

## مسیر زیارت



**موضوع:**  
جاده امامزاده داوود

**موقعیت:**  
ارتفاعات محله فرحزاد محدوده کشاورزی یونجه‌زار

جاده سخت و طاقت‌فرسای فرحزاد به سمت امامزاده داوود (ع) از جاده‌های تاریخی معروف تهران است. ۴۰ سال قبل از اینکه مسیر آسفالت امروزی ساخته شود، زائران از ارتفاعات روستای فرحزاد راهی زیارت می‌شدند. طبق روایت‌های تاریخی، بقعه و بارگاه امامزاده

داوود (ع) در دوره صفویه ساخته شد ولی این زیارتگاه معروف تهرانی‌ها در زمان قاجار بسیار مورد توجه بود و تهرانی‌ها نذر زیارت به امامزاده داوود (ع) را برای حاجت‌روا شدن بسیار گره‌گشا می‌دانستند. این گره‌گشایی دلیل خاصی داشت؛ چون آنها باور داشتند که سختی مسیر و پیمودن کوه‌ها و دره‌های پر از سنگلاخ و سختی کشیدن در این مسیر در حاجت‌روا شدن نیتشان تأثیر دارد.

زین‌العابدین لالی از اهالی قدیمی محله فرحزاد که خود بارها این مسیر را طی کرده است، می‌گوید: «هنوز از روستای فرحزاد فاصله نگرفته جاده خاکی و شیب‌های طاقت‌فرسا نفس‌ها را بند می‌آورد. در این مسیر کوه‌ها و استراحتگاه‌های زیادی وجود

داشت که یکی از آنها «سنگ یک مثقال» بود. در این محل تخته‌سنگ بزرگی وجود داشت که تقریباً مسیر را به اتمام می‌رساند. قدیمی‌ترها می‌گفتند از آنجا چند ساعت تا امامزاده راه بود. زائران به یونجه‌زار که می‌رسیدند نفسی تازه می‌کردند تا بتوانند ادامه مسیر را با قوت پیش ببرند. مسیر آخر همان مسیر کوتاه و سنگلاخی «نعل‌شکن» بود. طی این مسیر طولانی نعل الاغ‌ها یا قاطر‌ها می‌شکست که در دسر زیادی به وجود می‌آورد. بین «یونجه‌زار» تا «نعل‌شکن» دو مسیر به نام‌های «کتل



خاکی» و «آب زندگانی» قرار داشت که گذشتن از پیچ‌وخم این مسیر و رسیدن به «نعل‌شکن» را بسیار دشوار می‌کرد. بعد از آن به «گنبدنما» می‌رسیدند؛ جایی که گنبد امامزاده داوود (ع) معلوم می‌شد. در این محله می‌ایستادیم و سلام می‌دادیم و از همانجا زائران حاجتشان را زمزمه می‌کردند.»

جعفر شهری، نویسنده کتاب طهران قدیم که خود تجربه سفر به امامزاده داوود (ع) از روستای فرحزاد را دارد، می‌نویسد: «کنار استخر سرقنات و اطراف آن فقرا و کم‌بضاعت‌ها سکونت می‌کردند. از این صبح به آن صبح شیر گاو و گوسفند خالص و کره و ماست و پنیر اعلای و نان گندم خانگی و دکانی و سردرختی و میوه و هر گونه خوراکی دستفروش‌ها در اختیار مسافران قرار می‌گرفت و غذای پخته و نپخته مطبوع ارزان توسط دکاندارها از قبیل آبگوشت دیزی و چلو و پلو و کباب و حاضری و... که رفع حوائج می‌کرد، در آن حد که شاید خرج و لخرج‌ترین راهبان

آن، روزانه بیش از چند شاهی نمی‌گردید، به شهادت مخارج خود این نگارنده به‌طور دانگ با همراهان که در سفری که با ۱۱ تن دیگر به عزم زیارت به راه افتادیم تا مراجعت که ۱۴ روز طول کشید روزانه بانگه‌شاید در هر نوبت غذای کبابمان بیش از ۵ تا ۷ سیر گوشت جهت هر نفر منظور می‌داشتیم و در هر وعده چلوخورش زیادتر از ۱۰ سیر روغن اعلای مصرف می‌کردیم و دو نوبت آن گوسفندی نیز برایمان سربریده شد.»